

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۴ • ۱۸ صفر ۱۴۴۷ • ۱۲ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۸۰ • ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۱۷ • اذان صبح فردا ۳:۴۹ • طلوع آفتاب ۵:۲۲

روان‌خوانی

کودک کار، نسخه مجازی

بگاه پاکزاد

در روزگاری نه‌چندان دور، کودک کار کسی بود که کنار چراغ قرمز فال می‌فروخت یا توی کارگاه، جوراب وصله می‌کرد. حالا کودک کار ژل مو می‌زند در نور چراغ رینگ می‌نشیند و دیالوگ تمرین می‌کند. قبلا در خیابان دیده می‌شد، حالا در استوری؛ قبلا در گرمای آفتاب می‌سوخت، حالا در عطش لایک.

بچه‌ها هنوز به دنیا نیامده صاحب پیج‌اند. هنوز مامان نگفته‌اند برنند شده‌اند.

کودک حالا یک پروژه است، پروژه‌های خانوادگی، اقتصادی و البته روان‌شناختی. کودکی که دیده می‌شود اما فهمیده نمی‌شود.

در روان‌شناسی رشد، سال‌های آغازین زندگی، دوره شکل‌گیری «خود» است. جایی که بازی، خیال و تعاملات طبیعی، پایه شکل‌گیری اعتماد، هویت و خودتنظیمی روانی‌اند، اما حالا کودک به‌جای خیال‌پردازی، درگیر قاورورگیری است.

به‌جای خلوت، اجرا می‌کند و به‌جای آزمون خود، در نقش دیگری دلخواه ظاهر می‌شود.

این دیگری دلخواه همان چیزی است که اریک اریکسون از آن به عنوان بحران تثبیت نقش در برابر هویت‌یابی یاد می‌کرد.

اریکسون معتقد بود-کودک به‌جای تجربه‌کردن و کنش‌کردن خود، در نقش‌های از پیش نوشته‌شده گیر می‌افتد.

والدین تبدیل به مدیر برند کودک می‌شوند. بیشتر والدین نمی‌خواهند به فرزندشان آسیب بزنند، اما وقتی اقتصاد خانواده به لایک‌های کودک وابسته شود، رابطه والد-فرزند ناخودآگاه به رابطه کارفرما-اجراگر تبدیل می‌شود. کودک دیگر فرزند نیست، همکار است.

ابزار تولید محتواست و گاهی حتی تنها سرمایه قابل معامله. در روان‌شناسی بالینی، این موقعیت می‌تواند نوعی از نقش‌پریشی محسوب شود؛ یعنی کودک در جایگاهی قرار گیرد که با سن و ظرفیت روانی‌اش تناسب ندارد.

نتیجه، اضطراب دائمی، ترس از شکست در جلب توجه و وابستگی به تأیید بیرونی است؛ آسیب‌هایی با ظاهر بامزه که دیده نمی‌شوند.

کودک یاد نمی‌گیرد چه چیزی خصوصی است و چه چیزی عمومی.

مفهوم حریم در روانش از بین می‌رود و دچار فروپاشی مرزهای روانی می‌شود. به‌جای هویت اصیل، خودِ نمایش‌محور شکل می‌گیرد و دچار اختلال در رشد هویتی می‌شود.

وابستگی به دیده‌شدن کودک به‌جای تنظیم هیجان از درون، به تعامل بیرونی (لایک، کامنت) وابسته می‌شود؛ الگویی که زمینه‌ساز اضطراب اجتماعی و وسواس فکری در نوجوانی و بزرگسالی است.

از بین رفتن بازی آزاد طبق نظریه ویگوتسکی، بازی پایه خلاقیت و رشد ذهنی است. حذف بازی، رشد شناختی و عاطفی را به تعویق می‌اندازد. جامعه‌ای که کودک را به محتوا تقلیل می‌دهد؛ ما در جهانی زندگی می‌کنیم که هر چیز باید قابل مصرف باشد. جامعه‌ای که کودک را به محتوا تبدیل می‌کند.

آنها هم از این قاعده مستثنا نیستند، اما تفاوت اینجاست:

مصرف کودک، یعنی مصرف روان آینده یک جامعه.

ما داریم با دست خود کودکانی تربیت می‌کنیم که بیشتر از آنکه به خود اعتماد داشته باشند، به الگوریتم‌ها وفادارند. جای خالی قانونی حمایتگر اینجا نیز خالی است. کودک شاغل در فضای مجازی نیاز به قانون ویژه دارد؛ از محدودیت‌های سنی گرفته تا حق محتوا و درآمد.

خانواده باید بداند که دیده‌شدن جایگزین مناسبی برای امنیت روانی نیست؛ امنیتی که این روزها مهم‌ترین مسئله برای سلامت روان است.

هر لایک، شاید یک ترک در دیوار دل‌بستگی است.

این موضوع یک مسئله فردی نیست، یک بحران اجتماعی است که آینده سلامت روان نسل‌ها را تهدید می‌کند. ما نسلی بودیم که می‌ترسیدیم والدین‌مان ببینندمان و اکنون نسلی شدیم که می‌ترسند دیده نشوند. اما هویت در خلوت شکل می‌گیرد.

کودک قرار نیست برای رشد روانی‌اش اجرا کند. ما باید یاد بگیریم گاهی دوربین را خاموش کنیم و اجازه دهیم او فقط کودک باشد. نه کودکی که با لایک اشتباه گرفته می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی، میدان اصلی شکل‌گیری افکار عمومی هستند. کیفیت بحث‌ها و گفت‌وگوها در این فضا، بازتابی از بلوغ فرهنگی یک ملت است و ولاد آینده سیاسی و اجتماعی آن را نیز رقم می‌زند. فضای مجازی ایران، با همه پیچیدگی‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهایش، در سال‌های اخیر بیش از آنکه محل تبادل اندیشه باشد، به میدان نزاع‌های پریهایو، سوءظن‌های بیمارگون، هیجانات خام و جدل‌های بی‌حاصل تبدیل شده است.

کیفیت گفت‌وگو در این فضا، معیاری برای سنجش بلوغ فرهنگی و نشانه‌ای از ظرفیت جامعه برای همزیستی مسالمت‌آمیز است. با این حال در فضای مجازی ایران، نزاکت گفت‌وگو به‌تدریج جای خود را به واکنش‌های غریزی، جدل‌های بی‌حاصل و داوری‌های شتاب‌زده داده است. حال در میانه این گرداب هیاهو و سوءظن، چگونه می‌توان نقشه راهی برای یک گفت‌وگوی نجیبانه ترسیم کرد که هم امکان شنیدن را فراهم کند و هم امکان فهمیدن را؟

ما نه با کمبود قانون مواجهیم و نه با فقدان نظارت، آنچه نداریم، فرهنگ گفت‌وگو و فضیلت بحث است. به‌جای ارتقای سطح تفکر عمومی و دادادن آداب بحث و استدلال، پیوسته به سمت محدودسازی، فیلتر، قانون‌گذاری و حذف پیش رفته‌ایم. شاید یادآوری آداب مباحثه و ادب اختلاف، عجیب یا حتی لوکس به نظر برسد، اما چه بخوایم چه نه، شیوه سخن‌گفتن ما با یکدیگر، آینه‌ای از کیفیت زیست جمعی‌مان است.

برپایه دیدگاه‌های لوئیس وُون، استاد فلسفه و نویسنده کتاب درخشان «فلسفه‌نگاری؛ راهنمای خواندن و نوشتن جستارهای فلسفی»، اگر قصد داریم در شبکه‌های اجتماعی وارد گفت‌وگویی واقعی، صادقانه و مؤثر شویم، باید پیش از همه از یک سوءتفاهم بنیادین بپرهیزیم؛ بحث، میدان زورآزمایی یا پیروزی و شکست نیست. اگر کسی به گفت‌وگو وارد می‌شود تا فقط دیگران را تحقیر کند، خشمش را خالی کند یا با برچسب‌های شتاب‌زده، مخاطب را حذف کند، آنچه شکل می‌گیرد، گفت‌وگو نیست، بلکه زوال اخلاق ارتباطی است.

در برخورد با کسانی که اهل انصاف نیستند یا با هیجان و عصبانیت وارد

| در حافظه جمعی اهالی فرهنگ و هنر، قانون «اخذ دو درصد از فروش بلیط سینما» مصوب ۱۳۴۵، به یک خاطره دور و یک حق قانونی منسوخ‌شده بدل شده است. به عنوان یک فعال صنفی که سال‌هاست دغدغه امنیت شغلی و استقلال نهادهای مدنی در حوزه فرهنگ را دنبال می‌کنم، بارها در گفت‌وگو با دلسوزترین همکارانم با این پاسخ قاطع و مصرانه مواجه شده‌ام که «این قانون دیگر اعتبار ندارد و نسخ شده است». این باور غلط چنان ریشه‌دار بود که مطالبه برای احیای آن، تلاشی بی‌ثمر و پیگیری امری محال به نظر می‌رسید. حال آنکه مجلس، به عنوان مرجع نهایی قانون‌گذاری، روایت دیگری دارد.

در پاسخی رسمی و قاطع به استعلامی که از طریق «سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» از معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی ثبت شد (با کد رهگیری ۱۷۴۴۶۰۶۶۶۱۹۱-۱۷۴۴۶۰۶۶۶۱۹۱)، تمام این تصورات با یک جمله کوتاه اما بنیادین فرو ریخت: «قانون اخذ دو درصد از کل فروش بلیط سینماهای کشور مصوب ۱۳۴۵/۱/۱۹ همچنان معتبر بوده و نسخ صریح یا ضمنی نداشته است».

این پاسخ، فراتر از یک مکاتبه اداری، یک سند حقوقی مهم است که پسرده از یک غفلت تاریخی و یک فرصت عظیم از دست رفته برمی‌دارد. سندی که ثابت می‌کند یک منبع مالی حیاتی و قانونی، نه به دلیل موانع حقوقی، بلکه صرفا به دلیل فراموشی نه‌ای، بی‌توجهی اجرایی و یک تصور غلط عمومی، از شریان اقتصاد سینما و صندوق حمایت از هنرمندان حذف شده است.

از منظر حقوقی، فلسفه این قانون، گذار از مدل شکننده و متزلزل «حمایت دولتی» به الگوی مدرن و پایدار «توانمندسازی صنفی» است. این مدل، به‌جای وابسته‌کردن امنیت اجتماعی و شغلی هنرمندان به



مسیرهای منتهی به مرز مهران در استان ایلام، یکشنبه ۱۹ مرداد با افزایش چشمگیر تردد زائران اربعین حسینی، شاهد ترافیک سنگین و کندی حرکت خودروها بودند. از ابتدای آذر ماه صفر تاکنون یک میلیون و ۷۲۰ هزار نفر از مرز مهران تردد کرده‌اند که ۶۸۰ هزار نفر آن تنها در کمتر از ۷۲ ساعت اخیر بوده است. عکس: بهرام بیات، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

گاهی سکوت نجیبانه، بلندترین فریاد است



قادر باستانی‌تبریزی

بحث می‌شوند، اولین توصیه وون بسیار ساده ولی مهم است: «کنار بکشید». بحث‌کردن با این افراد بیشتر از آنکه کمکی کند، وقت‌گیر و خسته‌کننده است. گفت‌وگوی اخلاقی فقط وقتی ممکن است که هر دو طرف واقعا بخواهند گفت‌وگو کنند. پرهیز از تمسخر، توهین و حمله شخصی، اولین شرط این نوع گفت‌وگوست. حتی اگر به نتیجه مشترکی نرسیم، همین که حرف هم را بهتر بفهمیم، ارزش بزرگی دارد. هدف از گفت‌وگو نباید قانع‌کردن طرف مقابل باشد. اگر گفت‌وگو به نیت قانع‌کردن آغاز شود، خیلی زود حس برد و باخت ایجاد می‌کند و همین فضا را به مناقشه می‌کشاند. هرکس می‌تواند نظر خودش را بگوید، اما هدف اصلی باید صرفا بیان دیدگاه باشد؛ قضاوت و نتیجه‌گیری را باید به مخاطب و دیگران واگذار کرد. یکی از تمرین‌های مهم در گفت‌وگو، درک دقیق و همدلانه طرف مقابل است. این تمرین، راه را برای پاسخ دقیق‌تر می‌گشاید و البته نشان‌دهنده بلوغ فکری ماست. اگر دیدیم نقدی بر ما وارد است، از آن استقبال کنیم که پذیرش ایراد، نشانه ضعف نیست؛ نشانه قدرت استدلال و شجاعت اخلاقی است.

دیگر آموزه کلیدی وُون، خودداری از خشونت و پرخاش است. هرچند دشوار اما اگر خشم خود را در گفت‌وگو مهار نکنیم، به‌جای اقامه استدلال، ناگزیر از ناسزا و پاسخ‌های تُند می‌شویم. این واکنش زنجیره‌ای، چنان‌که تجربه میلیون‌ها گفت‌وگوی بی‌سرانجام در فضای مجازی نشان داده، فقط به تقابل بیشتر منتهی می‌شود.

مسئله دیگر، دانستن حد نادانی خویش است. گاه در میانه بحث

حقوق خوانی

غبارروبی از یک حق قانونی

نقشه راه احیای اقتصاد فرهنگ از یک قانون فراموش شده

مهدی‌کوهیان

کارشناس ارشد حقوق ارتباطات

بودجه‌های دولتی که همواره در معرض نوسانات سیاسی و اقتصادی قرار دارند، یک سازوکار اقتصادی درون‌زا طراحی می‌کند. در این الگو، بخش کوچکی از گردش مالی خود صنعت، به یک صندوق تخصصی که توسط نهاد صنفی مربوطه (مانند خانه سینما) مدیریت می‌شود، بازمی‌گردد تا صرف توسعه زیرساخت‌های انسانی، تأمین اجتماعی، بیمه تکمیلی، بازنشستگی و حمایت از خلاقیت شود. این یعنی استقلال واقعی و قدرت چانه‌زنی برای نهادهای مدنی.

اما امروز، با توجه به تحولات عظیم در زیست‌بوم فرهنگی و رسانه‌ای، اصرار بر محدودماندن این قانون به گیشه سینماها، یک خطای راهبردی بزرگ‌تر از فراموشی آن خواهد بود. توقف اجرای قانون یک غفلت بود، اما

  جمهوری اسلامی ایران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اتحادیه حقوق ارتباطات کمیته تخصصی حقوق ارتباطات	 جمهوری اسلامی ایران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اطلاعات درخواست	
تاریخ ثبت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۴	کد رهگیری: ۱۳۹۴/۰۷/۲۴-۶۶۶۶۶۶۶۶
مشارکت سازمان: معاونت فزاین مجلس شورای اسلامی	
موضوع: ۱- معاونت و تصمیمات	
شرح درخواست:	
با سلام و احترام و بدینوسیله اینجانب از شما درخواست دارم که در خصوص درخواست من در خصوص (درخواست من در خصوص درخواست من در	

درمی‌یابیم که اطلاعات کافی نداریم، اما از ترس تحقیر یا برای حفظ آبرو، همچنان بر موضع نادرست پافشاری می‌کنیم. وُون توصیه می‌کند که این وضعیت را با شهامت پشناسیم و بپذیریم. تأخیر در ورود به بحث، به‌مراتب خردمندانه‌تر از درافتادن بی‌دانش در میدان استدلال است.

از دیگر تأملات ارزشمند این نویسنده، توجه به محدودیت‌های پلتفرم است، به‌ویژه در پلتفرم‌هایی چون **توییتر** یا اکس که با محدودیت تعداد کاراکتر، مجال بیان دقیق مفاهیم پیچیده را از ما می‌گیرند. در چنین فضاهایی، بحث‌های عمیق و تفصیلی، اغلب بی‌نتیجه و شاید حتی زبان‌بارند؛ چراکه ایجاز اجباری، گاه به تحریف، سوءتفاهم یا حتی برانگیختن خصومت می‌انجامد.

وُون به ما یادآوری می‌کند که بحث خوب صرفا جدل بر سر نظرات نیست، بلکه نوعی هنر زیستن در کنار دیگری، هنر شنیدن با حوصله، فهمیدن با همدلی، نقدکردن با انصاف، پاسخ‌گفتن با دقت و در عین حال حفظ حرمت انسان است. حتی وقتی با او موافق نیستیم، گفت‌وگوی خوب، تمرینی است برای بلوغ اخلاقی و عقلانی ما. در جهانی که خشم، شتاب‌زدگی و سطحی‌نگری بر گفتمان‌ها چیره شده، بیش از هر زمان دیگر به آموختن این هنر نیاز داریم؛ هنر دشوار اما شریف سخن‌گفتن بی‌خصومت، مخالفت بی‌خشونت و اندیشیدن بدون حذف دیگری. اگر بخوایم فضای مجازی را از سراسیمگی بی‌اعتمادی و اضطراب نجات دهیم، بیش از قانون‌گذاری و فیلترینگ، نیازمند آموزش تفکر انتقادی، مدنیت گفت‌وگو و تربیت اخلاقی هستیم.

شاید روزی شبکه‌های اجتماعی ما به‌جای میدان تیر، به باغی بدل شوند که در آن اختلاف دیدگاه، همچون گل‌های رنگارنگ، زیبایی تنوع را بیافزیند؛ جایی که حتی در مخالفت، عطر احترام جاری باشد و سایه درخت‌های دانایی، مجال آرام‌گرفتن گفت‌وگو را فراهم کند. رسیدن به چنین روزی، نه معجزه قانون‌گذاری است و نه نتیجه فیلترینگ، بلکه ثمره پرورش نسلی است که می‌داند در جهان پریهایو دیجیتال، گاهی نجیبانه سکوت‌کردن، بلندترین فریاد انسانیت است.

طنزخوانی

بساط استارتاپ هرچه سریع‌تر جمع شود



آردین سیارسریرج

جمعی از صاحبان استارتاپ‌ها در کشور نامه نوشته‌اند به رئیس‌جمهور و هشدار داده‌اند که کشور در حال از دست دادن سرمایه انسانی، فرصت‌های اقتصادی و انگیزه نسل جوان است. بعد هم گفته‌اند که عده‌ای نمی‌گذارند ما کار کنیم و مانع ایجاد می‌کنند.

بمنده به عنوان هسته اصلی روزنامه شرق، چا دارد چند نکته را یادآوری کنم.

اولا، از کی مد شده که مردم به دولت هشدار بدهند؟ جاها عوض شده؟ ما کی از این رسم‌ها داشتیم؟ عاملین مشکوک استارتابی توجه داشته باشند که نقش‌ها دگرگون نشود. اینجا ما هشدار می‌دهیم، شما هم قاعدتاً باید دچار یاس شوید و بروید ان‌شاءالله دنبال ویزا و چمدان و محاسبه اضافه‌بار و این صحبت‌ها. ثانیا، ما اینجا داریم شبانه‌روزی زحمت می‌کشیم که اینترنت را از بین ببریم، بعد شما کسب‌وکار اینترنتی راه می‌اندازید؟ خیلی چیزی هستید؟

ثالثا، اصلا این استارتاپ یعنی چه؟ کدام از خدا بی‌خبری این مفاهیم خارجی را وارد کشور کرد؟ چند روز پیش یکی از این استارتاپی‌ها آمده بود پیش من می‌گفت: «ما لیت‌رالی یک عده کوفاندر هستیم که آمده‌ایم یک کورپوروشنی را که بیزنس مدلش بر پایه ونچرکپیتال است اینیوست کنیم، شما اگر ما را ساپورت کنید ما از هیئین اینسایدمان ودینک می‌شود». خدا شاهد است من یک کلمه هم نفهمیدم چه می‌گوید. از پشت میز یک نگاه پورمحمدی اندر کارشناس صداوسیما بهش انداختم و گفتم شما کیفرخواستی علیه زبان فارسی صادر کردید. از کجا دستور می‌گیرید؟ که خوشبختانه خودش ترسید و با شتاب اتاق را ترک کرد. آن‌قدر هم هول شده بود که لیوان نوشیدنی مرمرز و سبزرنگی موسوم به ماچا را هم ریخت روی میز من که موجب زحمت شد. آن شخص اگر ریگی در کفش نداشت چرا این‌گونه آمد و آن‌گونه رفت؟ پس ما با یک جریان مشکوک طرفیم.

رابعا، من وقت کرده‌ام و دیده‌ام اینها برخلاف آنچه ادعا می‌کنند، اصلا کار نمی‌کنند! یک عده جوان شلوارک به پای راحت‌طلب، لُخ‌لُخ‌کنان می‌روند فوتبال‌دستی بازی می‌کنند بعد کروسان می‌خورند و سپس روی این مبل‌های بادی راحتی می‌نشینند و به سقف خیره می‌شوند. این دیگر چه وضعی است؟ یکی نیست بگوید تو جوانی! خجالت بکش! بلند شو یک بلی بزن، خاموتی بساز، میلگردی جوش بده. همین‌طور مثل تیل درختی نشسته‌ای به چه فکر می‌کنی؟ به توطئه علیه کی؟

خامسا، این به اصطلاح استارتاپ‌ها، بیشتر ضرر دارند تا فایده. به طور مثال همین برنامه دیوار، این چه برنامه‌ای است که خانه و زندگی مردم را به نمایش می‌گذارد؟ هیچ‌وقت هم پول آدم نمی‌رسد که دلش می‌خواهد را اجاره کند. نتیجتاً آدم، [زیربناختش] می‌سوزد و آه می‌کشد و می‌افتد به جان دولت که چرا مسکن گران است! یا به عنوان نمونه‌ای دیگر، دیجی‌کالا چه معنایی دارد؟ اسنپ یعنی چه؟ علی‌بابا کیست؟ اقدامات اینها به جز تبئیلی، سستی، راحت‌طلبی، یکجانشینی و افزایش وزن کاربران چه نتایجی به همراه داشته؟ خیلی خوش‌بو هستند، جلوی پنکه هم می‌نشینند.

حالا هم می‌خواهند وارد بورس شوند (دیگر چه؟). قطعاً باید جلویشان ایستاد. باید برگردیم به همان اقتصاد ارزش‌محور بقال‌بنیان که قدیم داشتیم. اگر هم نشد، دیگر چاره‌ای نیست. خودتان که کار نمی‌کنید، لاقل من سیارسریر را بکنید عضو هیئت‌مدیره شرکت‌تان تا ببینم این ضرر و زیانی که به کشور زده‌اید را چگونه می‌توانم جبران کنم! (فرصت‌طلب هم خودتان و اربابانتان هستید).

یک میلیارد دلار

یک میلیارد دلار با موافقت رهبر انقلاب از صندوق توسعه ملی به حوزه سلامت اختصاص یافته است. وزیر بهداشت درباره چگونگی هزینه‌کرد آن گفت: ۳۰۰ میلیون دلار از این مبلغ برای پرداخت بدهی‌های وزارت بهداشت از جمله بدهی‌های پرسنلی بوده که توزیع و تمام شده است. ۷۰۰ میلیون دلار نیز بابت ذخیره استراتژیک دارو و تجهیزات پزشکی طبق آنچه در برنامه هفتم توسعه تکلیف شده، در نظر گرفته شده بود.

۲۰۰۰ سال

باستان‌شناسان با کاوش در شهر باستانی «لانودیکه» واقع در ترکیه، تالار پارلمان دو هزار ساله‌ای را کشف کرده‌اند که با معماری منحصربه‌فرد و شواهدی از فعالیت اداری و قضایی، نگاهی تازه به تاریخ این شهر ارائه می‌دهد. این یافته‌ها شامل دیوارهای تراورتنی با نقاشی‌های فرسکو، یک مجسمه سه‌متری از امپراتور «ترازان» متعلق به قرن دوم میلادی و یک آبنمای پرزرق‌وبرق است که بعدها بازسازی شده است.

۲۰۰ میلیون لیتر

مدیرکل دفتر هماهنگی امور مقابله و رصد جریان مالی قاچاق ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق‌کالا و ارز گفت: از بهمن‌ماه سال گذشته تاکنون، ۲۰۰ میلیون لیتر سوخت قاچاق کشف شده است که در این باره ۱۱ هزار خودروی شوتی کشف و ضبط شد. یاسر سوادکوهی گفت: بیش از ۹۰ درصد از این کشفیات در حوزه نفت و گاز است. استان‌های درگیر در حوزه قاچاق سوخت سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان بودند که بیشترین کشفیات از استان هرمزگان انجام شده است.